

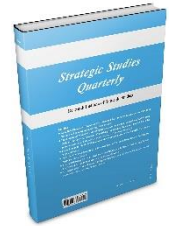


دائرة علوم استراتيجيات و تدوير
پروژه توسعه مطالعات استراتژیک
Quarterly.risstudies.org

Article history:
Received 06 Jul 2023
Accepted 17 Oct 2023
Published online 11 Mar 2024

Strategic Studies Quarterly

Volume 26, Issue 4, pp 51-65



P-ISSN: 1735-0272
E-ISSN: 2980-910X

Establishing Judicial Security: An Examination of Challenges and Strategies

Zeinab Abdullah Khani

Faculty member of the Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran

* Corresponding author email address: Abdollahkhani@riss.ac.ir

Article Info

Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Abdollah Khani, Z., (2024). Establishing Judicial Security: An Examination of Challenges and Strategies. *Strategic Studies Quarterly*, 26(4), 51-65. Doi: [10.22034/SSQ.2024.192305](https://doi.org/10.22034/SSQ.2024.192305)

Introduction

“Judicial security,” a relatively recent concept in security studies, remains a subject of ongoing debate with no universally accepted definition. Despite the varied interpretations, a recurring theme in prior research is the notion of “ensuring citizens’ access to justice through legal proceedings.”

Securing judicial integrity is crucial in building citizens’ confidence in the judiciary. If people perceive justice as elusive or feel the judiciary may fail to deliver it, they might opt for independent conflict resolution. Consequently, judicial security plays a pivotal role in bolstering national security, underscoring its importance in preserving national stability.

Acknowledging the significance of judicial security, this paper seeks to explore the query: How can we ensure judicial security? To address this, we first need to pinpoint the precise definition of ‘judicial security’ by reviewing existing research. The paper subsequently presents methods for preserving judicial security and concludes by highlighting potential risks that could undermine it.



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Methodology

The research approach is qualitative and thus has benefited from qualitative research tools. Also, for exploring the concept of judicial security and presenting strategies, it is analytical-prescriptive and is applied in terms of purpose; because it has provided a solution for solving the problem of how to ensure judicial security. The data was collected and analyzed through library research.

Result and discussion

Ensuring judicial security is a crucial step towards fostering societal peace and psychological safety. The term ‘judicial security’ is interpreted in various ways by experts. For a more nuanced understanding, it’s beneficial to separately explore the concepts of “security” and “justice.” Security refers to the state of being free from threats and preserving stability, while justice pertains to the resolution of legal conflicts in accordance with the law and through due legal processes. When these two notions are merged, judicial security can be encapsulated as the assurance citizens have in the judicial authorities’ ability to uphold threatened rights or reinstate violated ones.

In this interpretation, judicial authorities form the foundation for the establishment of judicial security. The objective of judicial security is twofold: to safeguard rights that are under threat and to reinstate rights that have been violated. The government, in its broadest context, holds the primary responsibility for the creation of judicial security. Achieving judicial security necessitates the formulation of strategies that can instill a sense of security within the structure of judicial institutions, both objectively and subjectively. These strategies are designed to enhance predictability, ensure the realization of justice, and furnish mechanisms for dispute resolution within judicial institutions.

To improve judicial security, five key strategies are proposed: 1. The establishment of a judicial order; 2. The creation of relative stability in laws; 3. The utilization of expert legal counsel; 4. The implementation of effective media management; 5. The assurance of client satisfaction. Additionally, maintaining judicial security necessitates the mitigation of threats in this domain. These threats encompass fraudulent documentation, the inability to substantiate rights, collusion with judicial authorities, and the lack of access to the litigant.

Moreover, judicial security is endangered by three issues in the citizen-government relationship: 1) the inability to initiate a lawsuit; 2) the preference for informal ways over litigation; and 3) judicial corruption. Judicial security is also compromised in the relationship between the government agent and the government itself, with the most significant factor being the impact of political slogans, such as anti-corruption campaigns, on the judicial process. It’s important to note that ensuring judicial security is a long-term endeavor that necessitates multi-year and ongoing planning. Furthermore, the perception of judicial security among the clients of judicial institutions is contingent upon its sustainability.

Keywords: *Judicial trust; judicial threat; judicial justice national security; judicial security.*



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده مطالعات راهبردی

Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۱۵ تیر ۱۴۰۲

اصلاح شده در تاریخ ۲۰ مهر ۱۴۰۲

پذیرفته شده در تاریخ ۲۵ مهر ۱۴۰۲

منتشر شده در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۴۰۲

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، پیاپی ۱۰۲، صفحه ۵۱-۶۵



شاپای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷

شاپای الکترونیکی: X-۹۱۰۸-۲۹۸۰

تأمین امنیت قضایی؛ راهبردها و تهدیدها

زینب عبدالله‌خانی

عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: Abdollahkhani@riss.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله

پژوهشی اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

عبدالله‌خانی، زینب، (۱۴۰۲). تأمین امنیت

قضایی؛ راهبردها و تهدیدها. فصلنامه مطالعات

راهبردی، ۲۶(۴)، ۵۱-۶۵. Doi:

10.22034/SSQ.2024.192305



© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایت) این مقاله

متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله

به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی

(CC BY 4.0) صورت گرفته است.

امنیت قضایی یکی از ارکان امنیت است که تأمین آن در هر جامعه‌ای ضروری است. تأمین امنیت قضایی به معنای ایجاد اعتماد به نهادهای قضایی و اطمینان خاطر به عملکرد صحیح و عادلانه آن‌ها است. ایجاد این اعتماد و اطمینان منجر به تثبیت جایگاه نهادهای قضایی به عنوان مرجع اصلی حل و فصل اختلافات می‌شود. تثبیت جایگاه نهادهای قضایی نقش مهمی در چرخه استمرار امنیت در جامعه بازی می‌کند؛ با این توضیح که چنانچه امنیت قضایی برقرار باشد و شهروندان به دستگاه قضا اعتماد داشته باشند، برای حل اختلافات خود با یکدیگر یا حاکمیت به روش‌های غیررسمی یا احیاناً خارج از گفتمان سیاسی حاکم متوسل نمی‌شوند. بنابراین امنیت قضایی در پایداری سایر شقوق امنیت از جمله امنیت ملی اثرگذار است. اکنون پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان امنیت قضایی را تأمین و تقویت کرد؟ برای پاسخ به این پرسش این مقاله درصدد است به ارزیابی راهبردهای دستیابی به امنیت قضایی و ارائه تهدیدات این حوزه بپردازد. بدین منظور ابتدا تعریفی از امنیت ارائه می‌دهد، سپس راهبردها و تهدیدات را بررسی می‌کند. راهبردهای اصلی تأمین امنیت قضایی ایجاد نظم قضایی، ثبات نسبی قوانین، بهره‌گیری از کلای متخصص، مدیریت رسانه‌ای و فراهم‌سازی موجبات آسایش ارباب رجوع است. تأمین امنیت قضایی با تهدیدهایی روبه‌روست که این تهدیدها در سه بستر ارتباط شهروند و شهروند، شهروند و دولت و کارگزار دولت و دولت شکل می‌گیرد. این پژوهش با رویکرد کیفی، شیوه توصیفی تجویزی، با هدف کاربردی و با روش کتابخانه‌ای نگارش شده است.

کلیدواژگان: اعتماد قضایی، تهدید قضایی، عدالت قضایی، امنیت ملی، امنیت قضایی.

مقدمه

قوه قضاییه و نهادهای زیرمجموعه قضایی آن، آخرین پناهگاه هر آسیب‌دیده‌ای در جامعه هستند. هنگامی که اختلافی بروز می‌کند، طرفین اختلاف به طرق مختلف سعی در حل‌وفصل آن دارند و معمولاً در صورت حل‌نشدن آن به نهادهای قضایی رجوع می‌کنند. بروز اختلاف در زندگی روزمره برای هر یک از شهروندان خواه حقیقی، خواه حقوقی امری محتمل است؛ بنابراین نهادهای قضایی در متن زندگی اجتماعی حضور مستمر دارند. از این رو عملکرد نهادهای قضایی نقش مؤثری در آرامش و امنیت روانی جامعه ایفا می‌کند.

برای اینکه نهادهای قضایی وظیفه خود در تأمین امنیت و آرامش روانی جامعه را به خوبی اجرا کنند، تأمین امنیت قضایی امری ضروری است؛ چرا که در نبود امنیت قضایی بخش درخور توجهی از امنیت مطلوب جامعه مختل می‌شود. در این راستا قوانین اسناد بالادستی نیز از این مهم غافل نبوده‌اند. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه در بند ب ماده ۱۲۰ قوه قضاییه را مکلف به تصویب سند امنیت قضایی می‌کند. در سال ۱۳۹۹ سند امنیت قضایی در جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار تدوین شد. در این سند، امنیت قضایی این‌گونه تعریف می‌شود: «امنیت قضایی حالتی است که در آن، حیثیت جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی اشخاص در حمایت قانون و مصون از تعرض باشد». در ادامه بیان می‌شود: «تأمین چنین امنیت عادلانه‌ای برای همه بر عهده قوه قضاییه قرار گرفته است».

مطابق ماده یک سند مذکور هدف امنیت قضایی دستیابی به عدالت است. مطابق این ماده: «هدف امنیت قضایی رسیدن به عدالت قضایی است که اثر آن ایجاد اعتماد شهروندان به قانون و نظام قضایی است تا در چارچوب آن اشخاص از آسودگی خاطر و احساس امنیت در تضمین و احقاق حقوق و آزادی‌های خود برخوردار شوند». در ادامه اصولی را برای امنیت قضایی و راهبردهایی را برای دستیابی به آن معرفی می‌کند. این راهبردها در پنج محور و متمرکز بر بهبود فضای کسب‌وکار، حدنگاری در ثبت اسناد و املاک، تفکیک امور غیرقضایی از قضایی، آموزش شهروندان و کارمندان قضایی و قضات و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

با وجود اینکه راهبردهای سند دقیق و کاربردی‌اند، همچنان برای تأمین امنیت قضایی به راهبردها و ابزارهای گسترده‌تری نیاز است. این نوشتار تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که چگونه دستیابی به امنیت قضایی میسر می‌شود و راهبردهای کلان برای استقرار امنیت قضایی کدام‌اند. بدین منظور پاسخ به چند سؤال فرعی نیاز است. اولین سؤال در خصوص چیستی امنیت قضایی است؛ با اینکه تعاریف متعددی از امنیت قضایی ارائه شده است، همچنان بازسازی مفهوم امنیت قضایی به دلیل پراکندگی در تعاریف ارائه‌شده نیاز است. سؤال بعدی در خصوص آسیب‌هایی است که امنیت قضایی را تهدید می‌کنند. از آنجایی که امنیت محصولی است که نیازمند تداوم است، شناسایی تهدیدات این حوزه ضروری است.

با پاسخ به سؤال اصلی، مسیر دستیابی به امنیت قضایی و تداوم آن مشخص می‌شود. هدف پژوهش این است که با استقرار امنیت قضایی امنیت و آرامش روانی در جامعه توسعه پیدا کند و نهادهای قضایی به عنوان آخرین پناهگاه نظم‌خواهی جایگاه خود در نظام جمهوری اسلامی ایران را تثبیت کنند. تثبیت این جایگاه خود به توسعه دیگر شقوق امنیت از جمله امنیت ملی منجر می‌شود. به این دلیل که نهادهای قضایی مرجع حل اختلافات می‌شوند و این اختلافات به خارج از مرزها یا ساختار نظام سیاسی حاکم کشیده نمی‌شود؛ بنابراین تأمین امنیت قضایی در چرخه تأمین امنیت نقش پررنگی دارد.

الف. چارچوب مفهومی امنیت قضایی

برای دستیابی به امنیت قضایی لازم است ابتدا عبارت امنیت قضایی را معنا کنیم تا بر اساس آن راهبردهای دسترسی به امنیت قضایی ارائه شود. ارائه معنایی برای امنیت قضایی نیازمند بررسی مفهوم امنیت و معانی مشتق شده از آن است. در این بخش ابتدا امنیت و انواع آن بررسی شده، سپس معنای امنیت قضایی تبیین می‌شود.

۱. مفهوم امنیت

امنیت به طور سنتی بر اساس مفهوم نظامی شناخته می‌شد و مبنای آن عدم تهدید نیروهای مسلح خارجی بود (کالینز، ۱۴۰۰: ۲۹۷)؛ بنابراین در معنای سنتی، امنیت وضعیتی است که در آن تهدید خارجی و نظامی وجود ندارد. این مفهوم از امنیت در حال حاضر معنای حداقلی از امنیت است و واژه امنیت را به معنای نبود درگیری‌های نظامی تقلیل می‌دهد.

با اینکه مفهوم سنتی امنیت، اولین معنایی از امنیت است که به ذهن متبادر می‌شود، امروزه مفهوم امنیت گسترش یافته است و دیگر محصور به فقدان درگیری‌های نظامی نیست. امنیت اعم است از امنیت نظامی و شامل حوزه‌های دیگر می‌شود؛ برای نمونه امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی، امنیت غذایی از دیگر حوزه‌هایی هستند که وجود امنیت را ضروری می‌دانند. در همه این حوزه‌ها امنیت به معنای کاهش تهدید برای ارزش‌هایی است که اگر مهار نشوند، بقای موضوع خاصی را به خطر می‌اندازند (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۴۰). البته این حوزه‌ها زیر مجموعه حوزه‌های وسیع‌تر به نام امنیت ملی قرار می‌گیرند.

به دلیل اینکه انواع امنیت در نهایت به امنیت ملی منجر می‌شوند، لازم است ابتدا تعریفی از امنیت ملی ارائه شود. امنیت ملی به دو گونه تعریف شده است: اول از جهت سلبی که امنیت را به معنای فقدان تهدید می‌داند، به نحوی که گذشت. دوم از جهت ایجابی که امنیت را مفهومی مستقل می‌داند و آن را صرفاً در برابر مفهوم دیگر (تهدید) معنا نمی‌کند (مک‌کین‌لای، ۱۳۸۰: ۱۴ و ۲۵). تعاریف ایجابی از امنیت ملی متفاوت است و اندیشمندان بر سر تعریفی مشترک اتفاق نظر ندارند؛ با این حال قدر متقین تعاریف در یک عبارت خلاصه می‌شوند «حفظ وجود خود» که برای دستیابی به آن، حفظ چهار مؤلفه اساسی لازم است: ۱. جان مردم؛ ۲. تمامیت ارضی؛ ۳. نظام اقتصادی و سیاسی؛ ۴. استقلال و حاکمیت کشور (بصیری، ۱۳۷۹: ۷۲). البته به نظر می‌رسد این چهار مؤلفه ناشی از اضافه کردن مفهوم «ملی» به واژه امنیت است. در نتیجه بحث، تعاریف امنیت ملی بیشتر حول معنای ملی می‌چرخند تا امنیت؛ پس لازم است تعاریف ارائه شده برای سایر شقوق امنیت را بررسی کرد تا به نقطه معنایی مشترک از امنیت دست یافت. در این راستا، برخی امنیت اقتصادی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «امنیت اقتصادی ناظر به وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می‌تواند به تولید، توزیع و مصرف ثروت پردازد» (برومند، ۱۳۸۷: ۲۵). همچنین در معنای امنیت اجتماعی گفته شده که «امنیت اجتماعی توان یک جامعه در حفاظت و در ایمنی قراردادن الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت نژادی و مذهبی است» (Waever, 1993: 23).

با توجه به تعاریف فوق به نظر می‌رسد آنچه بین مفاهیم مختلف امنیت مشترک است، ثبات و حفظ ارزش‌هاست. آرنولد ولفرز^۱ بیان می‌کند که امنیت به معنای نبود تهدید برای ارزش‌های کسب شده در بُعد عینی و نبود ترس از دست رفتن ارزش‌ها در بُعد ذهنی است

¹ Arnold Wolfers

(Wolfers, 1962: 150). این ارزش‌ها با توجه به مضاف علیه واژه امنیت متغیر است؛ برای مثال در امنیت زیست‌محیطی، نظام زیستی ارزش محسوب می‌شود (کالینز، ۱۴۰۰: ۳۶۸) و در امنیت انسانی حفاظت از هسته حیاتی زندگی اهمیت می‌یابد (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۳۵۸). در موضوع پیش‌رو برای اینکه مشخص شود چه چیزی نیاز به محافظت در برابر تهدید را دارد، لازم است مفهوم قضا روشن شود.

۲. مفهوم قضا

برای شناخت اینکه واژه «قضا» به چه چیز اشاره دارد، باید با مفهوم عمل قضایی آشنا شد؛ چراکه قضا به معنای داوری کردن و داوری کردن همان عمل قضایی است. پس در معناکاوی این واژه به سراغ معنای عمل قضایی می‌رویم. از بُعد ماهوی عمل قضایی، حل‌وفصل یک اختلاف حقوقی مربوط به امر غیرقطعی حقوقی است. به علاوه، حل‌وفصل اختلاف بر مبنای قانون توسط شخص ثالث (خارج از اختلاف) صورت می‌گیرد که ثالث شخصی مستقل و بی‌طرف است. پس در تعریف ماهوی، امر قضایی حل‌وفصل اختلاف غیرقطعی حقوقی بر مبنای قانون توسط شخص ثالث است. از بُعد شکلی نیز رعایت آیین دادرسی معیار تمییز عمل حقوقی از سایر اعمال است. اگر اختلافی بدون رعایت تشریفات دادرسی حل‌وفصل شود، دیگر عملی قضایی نخواهد بود (محسنی، ۱۳۹۱: ۱۱۴-۱۱۷). در نهایت عمل قضایی تعریف می‌شود به حل‌وفصل دعوای غیرقطعی حقوقی توسط نهادهای دادرسی بر مبنای قانون و با رعایت تشریفات دادرسی. منظور از دعوای حقوقی، اختلافی است که بر سر حق مشروع و قانونی وجود دارد. همچنین نهادهای دادرسی هر یک از مراجع مستقل و بی‌طرفی‌اند که عمل قضایی را به جا آورند؛ بنابراین علاوه بر دادگاه‌ها و دادرها، نهادهایی همچون شورای حل اختلاف، دیوان عدالت اداری هم نهاد قضایی محسوب می‌شوند.

با توجه به تعریف فوق، معنای واژه قضا روشن می‌شود. در تعریفی که ارائه شد، ضابطه‌هایی برای این داوری در نظر گرفته شد تا هرگونه حل‌وفصل اختلافی را امر قضایی ندانیم. برای مثال چنانچه دو طرف یک دعوا در امری به نتیجه برسند و مصالحه کنند، حتی اگر زیر نظر قاضی باشد، این مصالحه دیگر امری قضایی نیست؛ چراکه مرجع قضایی (شخص ثالث) دعوا را خاتمه نداده است (محسنی، ۱۳۹۱: ۱۱۵). حال با دانستن مفهوم واژه قضایی، می‌توان مفهوم امنیت قضایی را تبیین کرد. بدین منظور در ادامه ابتدا به تعاریف موجود از امنیت قضایی نگاهی انداخته می‌شود، سپس تعریف مد نظر این پژوهش ارائه می‌شود.

۳. تعاریف ارائه‌شده از امنیت قضایی

با توجه به این موضوع که امنیت به محافظت و ثبات معنا شد و قضایی به امور مربوط به حکمروایی عدالت توسط نهادهای قضایی، در این بخش به تبیین مفهوم امنیت قضایی می‌پردازیم. با اینکه ادبیات موضوع در خصوص امنیت قضایی غنی نیست، نویسندگان و اندیشمندان به فراخور موضوعات مختلف از امنیت قضایی تاکنون تعاریف متعددی ارائه داده‌اند که ابتدا این تعاریف، بررسی شده، سپس تعریف مد نظر این پژوهش ارائه می‌شود.

در تعریف اول، امنیت قضایی عبارت است از: «کیفیت مناسب عملکرد دادگاه‌ها در به‌کار بستن ضمانت‌های اجرایی قانون به ترتیبی که شهروندان را قبل از نقض قوانین و تعهداتشان از آن عمل باز دارد» (نوروزی، ۱۳۷۹: ۳). منظور این است که اگر شهروندی حقوقش نقض شد یا حقوق دیگری را نقض کرد، این اطمینان را داشته باشد که طبق قانون با او برخورد خواهد شد (نوروزی، ۱۳۷۹: ۴). این تعریف دربرگیرنده مفهوم امنیت است که ثبات در احقاق حق و حفظ حقوق شهروندان را با اجرای ضمانت‌های اجرایی قانونی در نظر دارد، اما صرفاً ناظر به

دادگاه‌هاست. با اینکه دادگاه‌ها از بازیگران اصلی ایجاد امنیت قضایی‌اند، تأمین امنیت قضایی صرفاً متکی به عملکرد دادگاه‌ها نیست و بستر احساس امنیت قضایی در نهادهای قضایی دیگر هم وجود دارد.

در تعریف دوم، امنیت قضایی تعریف شده است به «مصون‌بودن فرد از هرگونه تعرض و تجاوز و تهدید نسبت به جان، مال، ناموس، آزادی، شرف، حیثیت شغل، مسکن و تمام حقوق قانونی و مشروع او و هر چه که در نتیجه قانون برای فرد و اجتماع مقرر شده است» (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۸: ۶۵). این تعریف با بیان عبارت «احساس مصونیت از تعرض...» مفهوم امنیت را رسانده اما مشخص نشده است که جایگاه قضا در تأمین مصونیت از تعرض به حقوق مشروع و قانونی چیست. مشابه این تعریف در سند امنیت قضایی هم دیده می‌شود که در مقدمه به آن اشاره شد.

در تعریف دیگر گفته شده است امنیت قضایی «یعنی حیثیت، جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی انسان در حمایت قانون و در صیانت قوه قضاییه باشد» (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۴ نقل در کیخای فرزانه و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۱). این تعریف بیشتر ناظر به حفاظت قوه قضاییه از امور مادی و معنوی انسان است و مفهوم امنیت که درک چنین حفاظتی است، فروگذاشته شده است.

همچنین امنیت قضایی را معنا کرده‌اند به: «تأسیس دادخواهی عادلانه برای عموم شهروندان و تضمین دادخواهی برای عموم شهروندان» (محقق داماد، ۱۳۹۰: ۳۳ نقل در کیخای فرزانه و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۱) و «عملکرد صحیح، به‌هنگام و بدون تبعیض سیستم قضایی جهت رسیدن به اهداف تعریف‌شده و اطمینان عمومی به این عملکرد» (علینقی، ۱۳۷۹: ۵۷). این تعاریف نیز با مشکل پیش‌گفته روبه‌رو هستند.

۴. بازسازی مفهوم امنیت قضایی

در تعاریف ارائه‌شده از امنیت قضایی روشن شد که بر سر معنای این عبارت، اتفاق نظر وجود ندارد؛ به این دلیل که در بستر ایجاد امنیت قضایی و هدف آن مشترک نبودند. تعاریف پیش‌گفته هر کدام بستر متفاوتی برای ایجاد امنیت قضایی را ارائه دادند. برخی حوزه امنیت قضایی را حفاظت از حقوق در جامعه می‌دانستند و برخی دیگر در سیستم قضایی. به علاوه وحدت نظر وجود نداشت که هدف امنیت قضایی فراهم‌ساختن امکان دادخواهی عادلانه است یا احساس مصونیت از تعرض به حقوق. در این بخش تلاش شده است با تمسک به مفهوم امنیت و قضا و بهره‌بردن از تعاریف ارائه‌شده، مفهوم امنیت قضایی بازسازی شود.

امنیت قضایی از سه جهت درخور توجه است: نخست، محدوده؛ دوم، موضوع؛ و سوم، متولی. با مشخص کردن این سه رکن، تعریف امنیت قضایی روشن می‌شود. پس باید به این سؤالات پاسخ داد: شهروندان در سروکار داشتن با چه اموری نیازمند امنیت قضایی‌اند؟ چه چیزی در امنیت قضایی باید حفظ شود تا آرامش خاطر شهروندان تأمین شود؟ مسئول ایجاد امنیت قضایی چه نهاد یا نهادهایی‌اند؟

با پاسخ به پرسش اول، محدوده امنیت قضایی مشخص می‌شود؛ یعنی جایی که اشخاص وجود امنیت را درک می‌کنند. بدین منظور باید به واژه «قضایی» توجه کرد که به واژه «امنیت» اضافه شده است. همان‌طور که گفته شد، قضایی مربوط به امری است که منتهی به قضاوت و حل و فصل اختلاف شود. این معنای موسعی از واژه «قضایی» است. اگر معنای موسع در نظر گرفته شود، محدوده استقرار امنیت قضایی شامل تمام نهادهای قضایی و شبه‌قضایی می‌شود تا جایی که نهادهای داورى خصوصی را هم در بر می‌گیرد. اما این معنای موسع مدنظر نیست؛ چراکه هر چند حل و فصل اختلافات توسط نهادهای داورى نوعی قضاوت به شمار می‌آید، اما واژه قضایی عرفاً به نهادهای قضایی اطلاق دارد و اولین معنایی که از این واژه به ذهن متبادر می‌شود، امور مربوط به قوه قضاییه و نهادهای زیرمجموعه‌ای است که به نحوی در اجرای

عدالت دخیل هستند. در نتیجه بحث محدوده استقرار امنیت قضایی در قوه قضاییه است. به عبارت بهتر زمانی که کار افراد به قوه قضاییه می‌افتد، درک امنیت معنا پیدا می‌کند. پس بستر ایجاد امنیت قضایی مراجع قضایی زیر مجموعه قوه قضاییه هستند.

پرسش دوم مربوط به موضوع امنیت قضایی است. مسئله این است که چه چیزی باید فراهم شود تا مردم در برخورد با نهادهای قضایی احساس امنیت کنند و از چه چیزی باید جلوگیری شود. پیش‌تر گفته شد که امنیت به معنای نبود تهدید و حفظ ثبات است. از طرفی ماهیت عمل قضایی حل و فصل اختلاف است؛ یعنی فردی وارد فرایند قضایی می‌شود که پیش‌تر حقوق او تهدید شده است یا در معرض تضییع است. پس اگر بخواهیم موضوع امنیت قضایی را نبود تهدید بر حقوق شهروندان بدانیم، با مفهوم قضایی تناقض پیدا می‌کند زیرا این حقوق قبل از ورود شهروند به مراجع قضایی از بین رفته است یا در معرض تهدید است و دلیل احتیاج او به قضا همین تهدید یا تضییع حقوق است. بنابراین مفهوم سلبی امنیت، یعنی نبود تهدید، در اینجا به کار نمی‌آید. در نتیجه احساس امنیت به مرحله بعد از تهدید یا تضییع حقوق تعلق دارد. در این مرحله زمانی امنیت برقرار می‌شود که شهروندان اطمینان خاطر داشته باشند که حقوق تضییع یا تهدید شده آنان با مراجعه به مراجع قضایی احیا می‌شود. در واقع موضوع امنیت به معنای ایجابی آن (ثبات در حفظ یا احیای حقوق) مدنظر است؛ پس در نهایت می‌توان گفت موضوع امنیت قضایی احیای حقوق تضییع شده یا حفظ حقوق تهدید شده است.

پرسش سوم این است که متولی امنیت قضایی کیست. در پاسخ باید گفت که امنیت قضایی متأثر از سه حوزه اصلی است: نخست، تقنین؛ دوم، قضا؛ و سوم، اجرا. در واقع برای استقرار امنیت قضایی، هر سه مسئولیت دارند و متولی ایجاد امنیت قضایی تنها قوه قضاییه نیست. برای مثال یکی از عوامل ایجاد امنیت، ثبات است. ثبات در امور قضایی متأثر از تغییر قوانین و مقررات است. یعنی شهروندان در موقعیت‌های مشابه در بازه زمانی متفاوت با یک قاعده واحد روبه‌رو شوند و تغییر مداوم قوانین و مقررات موجب آشفتگی و سردرگمی آنان نشود. این امر موجب می‌شود در پیشبرد امور خود در نهادهای قضایی احساس آرامش خاطر و امنیت کنند. ثبات قوانین و مقررات بر عهده قوه قضاییه نیست، بلکه بر عهده قوه مقننه است؛ پس در این مثال متولی ایجاد امنیت قانون‌گذار است، هرچند که درک اثر قانون در امور قضایی اتفاق می‌افتد. در نهایت، اولاً بستر ایجاد امنیت قضایی مراجع قضایی‌اند؛ ثانیاً هدف امنیت قضایی حفظ حقوق تهدید شده یا احیای حقوق تضییع شده است؛ ثالثاً متولی ایجاد آن دولت به معنای اعم است. با توجه به این توضیحات امنیت قضایی عبارت است از: «اطمینان خاطر شهروندان از عملکرد مراجع قضایی در حفظ حقوق تهدید شده یا احیای حقوق تضییع شده».

ب. راهبردهای تأمین امنیت قضایی

در بخش قبلی مفهوم امنیت قضایی بررسی شد. با دانستن اینکه امنیت قضایی چیست، این سؤال به وجود می‌آید که امنیت قضایی چگونه تأمین می‌شود. به عبارت دیگر، متولی امنیت قضایی چه ابزارهایی در اختیار دارد تا آن را تأمین کند. برای تحقق امنیت قضایی پیش از هر چیز باید متذکر شد که امنیت قضایی در اصل نوعی ادراک و احساس در بُعد ذهنی است، اما این درک ذهنی ساخته نمی‌شود مگر اینکه در بُعد عینی موفقیت حاصل شود. منظور از بُعد عینی موفقیت تشکیلات قضایی در اجرای عدالت و حفظ حقوق اشخاص است. تا زمانی که بُعد عینی کارکرد مطلوبی نداشته باشد، احساس امنیت شکل نمی‌گیرد (علینقی، ۱۳۷۹: ۵۷). از طرفی ممکن است با وجود عملکرد صحیح قوه قضاییه همچنان شهروندان اطمینان خاطر از اجرای عدالت نداشته باشند. در این صورت لازم است نظام قضایی به ارزشیابی‌های مخاطبان خود اهمیت دهد و برای ایجاد اطمینان خاطر و حس امنیت تلاش کند (علینقی، ۱۳۷۹: ۵۷)؛ همان‌طور که گفته شده، عدالت باید دیده شود، نه اینکه صرفاً اجرا شود (R v Sussex Jistic, 1924).

لازم است راهبردهایی که ارائه می‌شوند، هم بُعد عینی را محقق کنند و هم بُعد ذهنی را. در این صورت است که قادر به استقرار امنیت قضایی خواهند بود. با این حال، پیش از آن بهتر است پرسیده شود که این راهبردها چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند تا در برقراری امنیت قضایی موفق عمل کنند. با توجه به مفهوم امنیت قضایی، به نظر می‌رسد راهبردهای ارائه‌شده باید بتوانند یک یا چند شاخص زیر را تأمین کنند:

- **پیش‌بینی‌پذیری:** یکی از متغیرهای اثرگذار بر آرامش خاطر مخاطبان نظام قضایی برای دستیابی به عدالت، قدرت پیش‌بینی‌پذیری است؛ بدین معنا که مخاطب فرایند قضایی بتواند نتیجه آن فرایند را با توجه به شرایط مخصوص پرونده پیش‌بینی کند. مثلاً اگر فردی مالک زمینی است که دیگری آن را غصب کرده، پیش‌بینی کند اگر دادخواست خلع ید بدهد، این دادخواست به کدام شعبه می‌رود، رسیدگی چقدر طول می‌کشد، جلسه دادگاه چگونه برگزار می‌شود و نتیجه آن احتمالاً چه خواهد شد. البته پیش‌بینی ۱۰۰ درصدی نتیجه حکم دادگاه نه ممکن است و نه مفید. حال آنکه هر مقدار قدرت پیش‌بینی مخاطب فرایند قضایی افزایش یابد، آرامش خاطر وی هم بیشتر می‌شود.

- **اطمینان خاطر از برقراری عدالت:** بدین معنا که افراد زمانی وارد فرایند قضایی می‌شوند، خیالشان آسوده باشد که نتیجه هر چه باشد، بر اساس عدالت خواهد بود و عوامل خارج از سیستم رسمی قضایی بر نتیجه اثر نخواهند گذاشت. البته چنین دیدگاهی به سختی حاصل می‌شود اما تلاش متولیان امر برای آرامش خاطر شهروندان ضامن برقراری امنیت قضایی خواهد بود. شایان ذکر است این شاخص با پیش‌بینی‌پذیری متفاوت است؛ چه بسا قدرت پیش‌بینی وجود داشته باشد، اما نتیجه پیش‌بینی ناعدالتی باشد.

- **دستیابی به عدالت از طریق مرجع قضایی:** این مسئله اهمیت دارد که مرجع قضایی متولی اصلی حفظ حقوق شهروندان باشد. البته منظور این نیست که تمام دعاوی در مراجع قضایی متمرکز شوند، بلکه منظور این است که برای دادخواهی افراد همیشه راهی در سیستم قضایی وجود داشته باشد تا به سمت دادخواهی خصوصی یا روش‌های غیررسمی کشانده نشوند. در دادخواهی مراجع قضایی همواره باید گشوده باشد، حتی اگر آخرین پناه شهروندان باشند. با این توضیحات، در ادامه راهبردهایی ارائه می‌شود که یک یا چند مؤلفه از مؤلفه‌های ذکر شده را تأمین کنند.

۱. **ایجاد نظم قضایی:** در اینجا منظور از نظم قضایی ایجاد رویه‌های منظمی است که رفتار کارگزاران قضایی بر مبنای آن شکل می‌گیرد. نظم قضایی به معنای احتراز از تشتت و چندگانگی در فرایندهای قضایی و صدور احکام متفاوت در پرونده‌های کاملاً مشابه است. برای مثال در پرونده‌های طلاق معروف است که برخی از شعب تهران به نسبت شعب دادگاه‌های خانواده شهرستان‌ها پرونده را زودتر به نتیجه می‌رسانند. این تشتت و پراکندگی نه تنها نظم قضایی را برهم می‌زند که موجب ترافیک شعبه‌های دادگاه‌های خانواده تهران می‌شود. بنابراین یکدستی در فرایندهای قضایی و نتیجه آن‌ها تا جایی باید حفظ شود که تنها اضافه کردن جزئیات ماهوی بتواند آن را تغییر دهد نه هر امر ساده شکلی یا فرهنگی. این یکدستی در نهایت قدرت پیش‌بینی را افزایش می‌دهد.

مهم‌ترین وجه و شاید تنها وجهی که تا به حال از نظم قضایی به آن توجه شده، رویه قضایی است. رویه قضایی به قدری اهمیت دارد که احکام وحدت رویه صادرشده از دیوان عالی کشور هم تراز قانون هستند. در این مجال به اهمیت وحدت رویه در صدور حکم در موضوعات مشابه پرداخته نمی‌شود، تنها به ذکر این نکته بسنده می‌شود که صدور حکم وحدت رویه به تنهایی کافی نیست؛ بلکه لازم است در سایر مراحل دادرسی هم نظم و یکدستی برقرار باشد. پس نظم و یکپارچگی در تشریفات قانونی طرح دعوا، مرجع صالح برای رسیدگی، آیین دادرسی و اجرای احکام نیز اهمیت پیدا می‌کند (رفیعی، ۱۳۹۸: ۱۰۵-۱۰۷).

در نهایت در خصوص نظم قضایی همچنان مسائلی باقی خواهد ماند که نیازمند پژوهشی جداگانه‌اند مانند اینکه دستگاه قضایی در تأمین امنیت قضایی چگونه نقش ایفا می‌کند و نقش نهاد قانونگذاری در تأمین نظم قضایی چیست. قانونگذار تا چه حد فرایندهای قضایی را پیش‌بینی کند که از طرفی نظم قضایی فراهم شود و از طرف دیگر منجر به بوروکراسی دست‌وپا گیر نشود. همچنین قانونگذار چه مقدار از جزئی‌نگری را در تدوین قوانین رعایت کند و چه مقدار از آن را به آرای وحدت رویه بسپارد. قوانین ماهوی در ایجاد نظم قضایی نقش دارند یا تنها قوانین شکلی.

۲. ثبات نسبی قوانین: عملکرد نهادهای قضایی بر پایه قانون بنیان‌گذاری شده است. در واقع قانون برای ایجاد امنیت قضایی ریل‌گذاری می‌کند؛ بنابراین هر مقدار قوانین شکلی و ماهوی در راستای ایجاد امنیت قضایی حرکت کنند، می‌توانیم توسعه آن را در نهادهای قضایی مشاهده کنیم. تأمین امنیت قضایی در قوانین و مقررات در گرو رعایت اصول متعددی همچون اصل منع تبعیض، حمایت‌محوری، انفکاک و حداقلی‌بودن حقوق کیفری است (کشکولی، ۱۳۹۸: ۷۹-۸۹). با این حال این اصول اغلب در متن قانون متجلی می‌شوند و برای تأمین امنیت قضایی، قانون‌گذار ملزم به پیروی از یک اصل مهم است: ثبات نسبی قوانین.

بدیهی است که جوامع تغییر می‌کنند و تغییر آنان مستلزم تغییر قوانین است. با این حال تغییر مداوم قوانین و مقررات قدرت پیش‌بینی را سلب می‌کند؛ چراکه قوانین نه از طریق روزنامه رسمی، بلکه از طریق تجربه زیسته شهروندان درونی می‌شود. بنابراین قوانین ماهوی تا جایی که ناکارآمد یا آسیب‌زا نیستند، نباید مدام دستخوش تغییر شوند. برعکس قوانین شکلی نیازمند پایش مداوم هستند تا مخاطب دستگاه قضا را از بروز آسیب‌هایی همچون دوندگی و کاغذبازی در امان نگه دارند. در نهایت باید گفت که قانون‌گذار نقطه تعادل اصلاح قوانین و مقررات شکلی و ماهوی را باید پیدا کند که از طرفی با تغییر مداوم آن موجب سردرگمی نشود و از طرف دیگر کهنگی قانون، ناکارآمدی یا آسیب آن را به دنبال نیاورد.

۳. بهره‌گیری از وکلای متخصص: یکی از اصول دادرسی منصفانه و بی‌طرفانه دخالت وکلای مستقل طرفین دعوا در صدور حکم است. چنانچه در دعوایی وکیل دادگستری حضور داشته باشد، امنیت قضایی را توسعه می‌دهد؛ به این دلیل که قدرت پیش‌بینی را افزایش می‌دهد. از آنجایی که وکیل بر قوانین و رویه‌های قضایی آگاهی دارد، بهتر از اصحاب دعوا می‌تواند نتیجه رسیدگی را پیش‌بینی کند. همچنین به دلیل اینکه افراد حرفه‌ای مستقلی از طرفین دعوا دفاع می‌کنند و در بسیاری از جلسات و پیگیری‌ها ممکن است به جای آن‌ها حاضر شوند، آرامش خاطر مخاطب امنیت قضایی را افزایش می‌دهند. بنابراین نهادهای متولی امنیت قضایی هر مقدار تلاش کنند که در جریان رسیدگی وکیل در کنار اصحاب دعوا حاضر شوند، به افزایش احساس امنیت کمک کرده‌اند. البته لازم است وکلا مسلح به ابزار حرفه، دانش، استقلال و انصاف باشند تا حضورشان در جریان قضا موجب ایجاد امنیت شود؛ بنابراین تقویت جایگاه وکیل جهت تأمین امنیت قضایی بر دوش دو متولی است: دستگاه قضا و کانون‌های وکلا.

۴. مدیریت رسانه‌ای: یکی از مهم‌ترین ابزارهای که به توسعه امنیت قضایی کمک می‌کند، رسانه است. پیش‌تر گفته شد که عدالت نباید فقط اجرا شود، بلکه باید دیده شود. رسانه به دیده‌شدن عدالت و ایجاد امنیت خاطر مخاطب کمک شایانی می‌کند. اگر رسانه در این راستا بخواهد قدم بردارد، از دو جهت می‌تواند مفید باشد: نخست، بازنمایی عملکرد نهادهای قضایی؛ و دوم، آموزش شهروندان. اولین وظیفه رسانه در این زمینه، بازنمایی عملکرد دستگاه قضاست. در حال حاضر در کشور ایران، خبرگزاری میزان رسانه وابسته به قوه قضاییه بخشی از این مهم را به دوش می‌کشد؛ با این حال همچنان نیازمند بهبود است. همچنین رسانه‌های مستقلی که به طور تخصصی اخبار حقوقی را پوشش می‌دهند،

نقش مؤثری در بازنمایی عملکرد دستگاه قضا دارند. بنابراین برای ایجاد امنیت قضایی در کنار ابزارهای کمک‌کننده به برقراری عدالت، در نهایت برقراری عدالت باید به مخاطب نشان داده شود و به این امید نشست که مخاطب خود تجربه عدالت را خواهد چشید.

قدم دوم رسانه، آموزش است. آموزش شهروندان یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که موجب کاهش سردرگمی مخاطب دستگاه قضا می‌شود. در حال حاضر محتوای آموزش شهروندان بیشتر متمرکز بر حقوق آنان است و تولیدات رسانه‌ای تلاش می‌کنند که مخاطب خود را از حقوق خود آگاه کنند. چنین محتوایی به آگاهی و افزایش قدرت پیش‌بینی مخاطب کمک می‌کند؛ با این حال تأکید صرف بر آگاهی بر حقوق و فروگذاری آگاهی در خصوص تکالیف، مخاطبی حق به جانب را تربیت می‌کند. از طرف دیگر آموزش حقوق باید با ظرافت خاص خود باشد، وگرنه نتیجه معکوس بر ایجاد امنیت قضایی دارد؛ با این توضیح که آموزش حقوق تصور بی‌نیازی از متخصص (مشاور حقوقی یا وکیل) را به مخاطب القا نکند به طوری که با اتکا به دانش اندک خود در فرایند قضایی سردرگم شود. بهترین وجه آموزش، آگاهی مخاطب به امور شکلی است؛ برای مثال زمانی که شخصی بزه‌دیده‌ی سرقت گوشی همراه می‌شود، اولین سؤالی که می‌پرسد این است که کجا باید مراجعه کند. آموزش می‌تواند مسیر شکلی صحیح دادخواهی را به مخاطب نشان دهد تا آسودگی خاطر او فراهم شود.

۵. فراهم‌سازی موجبات آسایش ارباب رجوع: ایجاد آسایش یکی از ارکان امنیت قضایی است که عوامل مختلفی در فراهم‌شدن آن نقش بازی می‌کنند. چنانچه تمام ابزارهای تأمین امنیت قضایی به کار گرفته شود، اگر همچنان ارباب رجوع در مراجعه به نهادهای قضایی دچار تشویش شود، تمام برنامه‌ها شکست می‌خورند. در ایجاد آسایش برای ارباب رجوع راهکارهای مختلفی را می‌شود پیشنهاد داد که اولین آن فراهم‌کردن شرایط مراجعه غیرحضوری و پیگیری غیرحضوری با استفاده از فناوری است؛ راهبردی که در سند تحول قضایی (مصوب ۱۳۹۹) به کرات ارائه شده اما همچنان به طور کامل اجرا نشده است. همچنین از دیگر راهکارهای تأمین آسایش مراجعان قضایی، رعایت استاندارد زمان رسیدگی است. دستورالعمل آزمایشی استاندارد زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی (مصوب ۱۳۸۷) این استانداردها را تعیین کرده است اما در عمل چنانچه از رعایت آن تخطی شود، ضمانت اجرایی وجود ندارد. کما اینکه رعایت استاندارد زمان رسیدگی به دلیل حجم انبوه پرونده‌ها به سادگی ممکن نیست. این امر در نهایت موجب اطاله رسیدگی و ناکامی دستگاه قضا در ایجاد حس آسایش خاطر برای مخاطب خود می‌شود و چه بسا این امر در نهایت موجب جایگزین کردن روش‌های غیررسمی و پناه‌بردن به مأمینی غیر از نهاد قضایی برای احیای حقوق تضییع شده شود.

از دیگر راهبردهایی که در این زمینه می‌توان اشاره کرد، معماری نهادهای قضایی با هدف ایجاد حس امنیت و آرامش است؛ برای مثال استفاده از رنگ‌های آرامش‌بخش، فضایی برای نشستن و چیدمان اتاق دادرسی و اتاق انتظار، همگی به لحاظ بصری در ایجاد حس امنیت برای مخاطب تأثیرگذارند. این راهبرد در کنار نحوه برخورد با مخاطب باید در نظر گرفته شود. اصول رفتاری قضات و کارمندان قضایی باید تعیین شود و به گونه‌ای توأم با احترام، رعایت عدالت در گفتار و کردار، بی‌طرفی و... باشد.

در نتیجه بحث، پنج راهبرد اصلی برای دستیابی به امنیت قضایی وجود دارد که عبارت‌اند از: ایجاد نظم قضایی؛ ثبات نسبی قوانین؛ بهره‌گیری از وکلای متخصص؛ چندرسانه‌ای؛ فراهم‌سازی موجبات آسایش ارباب رجوع. راهبردهای ارائه‌شده برای دستیابی به امنیت قضایی راهبردهایی کلان و کلی‌اند. بدیهی است کاربست هر یک از این راهبردها نیازمند تدوین برنامه‌های جزئی‌تر و تخصصی‌تر است.

ج. آسیب‌ها و تهدیدها

در مفهوم امنیت گفته شد که ابتدایی‌ترین رکن امنیت دفع تهدیدات است؛ از این رو شناسایی تهدیدات اهمیت فراوانی دارد. از آنجایی که امنیت هیچ‌گاه به طور کامل برقرار نمی‌شود، تحلیل‌ها به سمت شناسایی تهدیدات خاص معطوف می‌شود (بوزان، ۱۳۹۹: ۵۰). در تحلیل تهدیدهای قضایی بین دو دسته تهدیدات کلان و تهدیدات اختصاصی باید تفاوت قائل شد. آسیب‌های کلان که امنیت قضایی را تهدید می‌کنند و مانع برقراری آن شوند، شامل عدم استقلال، رسیدگی‌های طولانی، در دسترس نبودن دادگاه‌ها (عبداللهی، ۱۴۰۰: ۶۰۹-۶۱۳)، فساد، بوروکراسی اداری و جانب‌داری دادگاه از یکی از طرفین دعواست. با این حال آسیب‌های اختصاصی‌تری وجود دارند که در کنش و واکنش سه گروه پدید می‌آید: شهروندان، دولت و کارگزاران دولتی. در ادامه بیان می‌شود که در بستر ارتباط این گروه‌ها چه تهدیدات بالقوه‌ای وجود دارد که بروز آن‌ها امنیت قضایی را از بین می‌برد.

۱. **تهدیدات در بستر ارتباط شهروند و شهروند:** معمول‌ترین و ساده‌ترین بستر شکل‌گیری تهدیدات امنیت قضایی، ارتباط شهروندان با یکدیگر است. ارتباط شهروندان ممکن است در مسائل و امور خانوادگی، مسائل مالی، کیفری یا... باشد. تا زمانی که اختلافات به مرجع قضایی ارجاع نشده، موضوع امنیت قضایی به وجود نیامده است؛ اما به محض شروع به رسیدگی، تأمین امنیت قضایی اهمیت می‌یابد. تهدیدهایی که در این حوزه ممکن است امنیت قضایی را به خطر بیندازد، هر عاملی است که موجب صدور حکمی ناعادلانه شود. این عوامل در دسته‌بندی کلی شامل عدم دسترسی به طرف دعوا، ناتوانی در اثبات حق و تبانی با مقام قضایی می‌شود.

دادرسی ترافعی یکی از اصول بنیادین دادرسی است. بنابراین اولین تهدیدی که در دادرسی بین شهروندان امنیت قضایی را از بین می‌برد، در دسترس نبودن یکی از طرفین دعواست. در بسیاری از مواقع طرفین آدرس یا شماره تماسی از یکدیگر ندارند یا تنها راه ارتباط آنان یک شماره تماس است، به همین دلیل نمی‌توانند طرف مقابل را برای دادرسی فراخوانند. در حال حاضر حل این مسئله با وجود ابزارهای پیشرفته ارتباطی در مسائل حقوقی تا حدودی رفع شده اما در حوزه عدالت کیفری به دلیل ناشناس ماندن مرتکب جرم همچنان چالش‌آفرین است و اطمینان خاطر از احیای حقوق تضییع‌شده در مرجع قضایی را از بزه‌دیده می‌گیرد.

از دیگر تهدیدات این حوزه، ناتوانی در اثبات حق است که منظور از آن موقعیتی است که شخص ستم‌دیده دلیلی بر اثبات ادعای خود ندارد؛ برای مثال در خشونت‌های خانگی اگر نوع خشونت فیزیکی نباشد مثلاً حبس در محل باشد، اثبات این مسئله دشوار خواهد بود. همچنین نظام ادله اثبات در مواقعی به بن‌بست می‌خورد؛ برای نمونه یکی از دلایلی که زوجه برای طلاق می‌تواند به آن تمسک کند، بیماری روانی زوج است. حال آنکه در عمل این مشکل وجود خواهد داشت که زوجه برای اجرای حکم طلاق نیازمند اثبات بیماری روانی زوج است لکن از بیم واکنش بیمارگونه زوج از رجوع به دادگاه و ارائه درخواست معاینه زوج امتناع می‌کند و در نهایت برای حفظ جان خود قادر نیست از مرجع قضایی درخواست کمک کند؛ چراکه تصمیم مرجع قضایی نیازمند مدرکی است که زوجه توانایی تهیه آن را ندارد. البته منظور این نیست که مرجع قضایی به نفع یکی از طرفین اقدام به جمع‌آوری مدرک کند. مرجع قضایی نهاد بی‌طرف است و بی‌طرفی آن باید حفظ شود، با این حال لازم است نظام ادله اثباتی پویاتر و کارآمدتر باشد.

عامل دیگری که امنیت قضایی را در این بستر تهدید می‌کند، ارائه خدمات قضایی فاسد است که معمول‌ترین آن‌ها واسطه‌گری است. خدمات قضایی فاسد مهم‌ترین بعد امنیت قضایی، یعنی اطمینان خاطر از برقراری عدالت را هدف می‌گیرد و حتی پیش‌بینی امکانی همچون شکایت از مقام قضایی یا کارمند دادگستری اعتماد از دست‌رفته را بر نمی‌گرداند. عوامل بروز فساد قضایی متعدّدند. در یک دسته‌بندی کلی این عوامل عبارت‌اند از انگیزه سوءاستفاده از طرفین دعوا؛ اطلاع دادرسی؛ وجود شبکه روابط غیررسمی؛ احساس ناکارآمد بودن سیستم قضایی

بین مراجعین؛ بی میلی طرفین دعوا به پیگیری پرونده به دلیل ازدحام در محاکم یا برخورد نامناسب برخی از کارکنان؛ بی اطلاعی از آیین دادرسی و قوانین؛ فقدان روابط عمومی قوی جهت راهنمایی مراجعین و ضعف محاکم در استفاده از روش‌ها و فناوری‌های نوین اداری و ارتباطی (ذاکر صالحی و رحمتی‌فر، ۱۳۹۱: ۳۵).

۲. تهدیدات در بستر ارتباط شهروند و دولت: در زندگی شهری و بافت جدید اجتماعی، یکی از اموری که مردم جامعه روزانه با آن سروکار دارند، تصمیمات و سیاست‌های دولت است. تصمیمات دولت در زیست اجتماعی افراد تأثیرگذار است. بنابراین ممکن است این تصمیمات حقوق افراد را تهدید یا تضییع کند. در چنین اختلافی سه مسئله امنیت قضایی را تهدید می‌کند: عدم امکان دادخواهی، ترجیح روش‌های غیررسمی به دادخواهی و خدمات فاسد قضایی.

اولین تهدید امنیت قضایی در چنین اختلاف‌هایی عدم امکان دادخواهی است. در بسیاری مواقع تصمیماتی که از جانب نمایندگان دولت اتخاذ می‌شود و آسیبی به اشخاص خصوصی وارد می‌کند، امکان اعتراض در مرجع قضایی را ندارد. برای مثال دولت در راستای سیاست‌های تورم‌زدایی ممکن است تصمیم به اعمال قیمت دستوری بر اجناس بگیرد و با این تصمیم تولیدکننده یا ارائه‌کننده خدمات متضرر شوند. فارغ از اینکه چنین تصمیمی صحیح است یا خیر، لازم است همواره راهی برای اشخاص خصوصی در قوانین وجود داشته باشد که برای جبران ضرر به نهادهای قضایی ختم شود.

تهدید بعدی در جایی است که اشخاص خصوصی از اقدامی دولتی آسیب دیده‌اند اما ترجیح می‌دهند به جای مراجعه به مرجع قضایی، تنها از روش‌های غیررسمی همچون واسطه‌گری، سروصدای رسانه‌ای، کمپین‌های مجازی و... برای حل اختلاف خود استفاده کنند؛ به این دلیل که اطمینان خاطر از بی طرفی نهاد قضایی یا بی طرف ماندن آن در فرایند رسیدگی ندارند و مراجع قضایی را بخشی از دولت می‌بینند. همچنین فرایند طولانی دادرسی مزید علتی بر روی گردانی از مرجع قضایی می‌شود. دو تهدید مذکور بعد سوم امنیت قضایی را نشانه می‌گیرند؛ یعنی مرجع قضایی دیگر مرجع دادخواهی نخواهد بود.

تهدید سوم نیز خدمات قضایی فاسد است که همچون شق اول این بخش، ممکن است اطمینان خاطر از دستیابی به حکم عادلانه را از بین ببرد. بیم خدمات قضایی فاسد برای اشخاص دولتی، در این شق بیشتر است؛ به این دلیل که اشخاص دولتی واسطه‌گری را با سهولت بیشتری انجام می‌دهند.

۳. تهدیدات در بستر ارتباط کارگزار دولت و دولت: آخرین بستری که ممکن است امنیت قضایی در آن تهدید شود، ارتباط کارگزار دولت با دولت است. منظور از کارگزار دولتی در اینجا هر شخص حقیقی و حقوقی است که به نمایندگی از دولت عمل می‌کند. تهدیدات این حوزه معمولاً کم‌اهمیت در نظر گرفته می‌شوند؛ در حالی که چنانچه تأمین امنیت قضایی برای کارگزاران مغفول ماند، نظام کارگزاری با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شود. این تهدیدات اغلب به دلیل جو رسانه‌ای بر کارگزاران حاکم می‌شود. چنانچه در بسیاری از آرای قضایی صادر شده در خصوص فساد می‌توان خروج از عدالت و قانون را به بهانه شعار مبارزه با فساد مشاهده کرد؛ با این توضیح که جامعه به واژه‌ی فساد حساس است و انتظار قاطع‌ترین برخورد با آن را دارد. حال آنکه ممکن است کارگزار در جریان رسیدگی قضایی از اتهامات سنگین خود تبرئه شود. از طرفی دادگاه باید به انتظارات جامعه پاسخ دهد و از طرف دیگر باید عادلانه و مطابق قانون حکم صادر کند؛ در چنین وضعیتی احتمال می‌رود که دادگاه به سمت برآورده کردن انتظارات جامعه میل پیدا کند. بنابراین معمولاً جو رسانه‌ای خصوصاً در پرونده‌هایی با برچسب فساد، دستیابی به عدالت را برای کارگزار مختل می‌کند. در نهایت این مسئله موجب می‌شود کارگزاران از بیم برخوردهای سلیقه‌ای دیگر نهادهای حاکمیتی

در دوره مدیریت خود دست به عصا رفتار کنند و جسارت خطر کردن برای بهبود سازمان را از دست بدهند؛ چرا که هر لحظه ممکن است خطر کردن آنان با شدیدترین عواقب غیرقانونی و سلیقه‌ای پاسخ داده شود.

در جمع‌بندی این بخش باید گفت تهدیدات پیش‌روی امنیت قضایی عبارت است از عدم دسترسی به طرف دعوا، ناتوانی در اثبات حق، تبانی با مقام قضایی که در بستر ارتباط شهروند با شهروند ظاهر می‌شود. به علاوه در ارتباط شهروند با دولت سه مسئله امنیت قضایی را تهدید می‌کند: عدم امکان دادخواهی، ترجیح روش‌های غیررسمی به دادخواهی و خدمات فاسد قضایی. در نهایت در ارتباط کارگزار دولتی با دولت امنیت قضایی تهدید می‌شود که مهم‌ترین عامل آن کشیده‌شدن شعارهای سیاسی همچون مبارزه با فساد به فرایند رسیدگی قضایی است.

نتیجه‌گیری

تأمین امنیت قضایی یکی از ضروری‌ترین اقدامات جهت ایجاد آرامش و امنیت روانی در جامعه است. امنیت قضایی تعاریف متعددی بین صاحب‌نظران دارد. برای فهم دقیق‌تر امنیت قضایی، مفهوم امنیت و قضا را جداگانه باید بررسی کرد. امنیت به معنای نبود تهدید و حفظ ثبات و قضا به معنای حل و فصل اختلافات حقوقی بر مبنای قانون با رعایت تشریفات دادرسی است. با ترکیب مفهوم امنیت و قضا، امنیت قضایی عبارت است از: اطمینان خاطر شهروندان از عملکرد مراجع قضایی در حفظ حقوق تهدیدشده یا احیای حقوق تضییع‌شده. در این تعریف اولاً بستر ایجاد امنیت قضایی مراجع قضایی‌اند؛ ثانیاً هدف امنیت قضایی حفظ حقوق تهدیدشده یا احیای حقوق تضییع‌شده است؛ ثالثاً متولی ایجاد آن دولت به معنای اعم است. برای دستیابی به امنیت قضایی، ارائه راهبردهایی نیاز است که در بُعد عینی و ذهنی امنیت را در بستر نهادهای قضایی فراهم کنند. این راهبردها باید منجر به افزایش قدرت پیش‌بینی، اطمینان خاطر از برقراری عدالت و فراهم‌سازی موجبات حل اختلافات در نهادهای قضایی شوند. برای دستیابی به امنیت قضایی پنج راهبرد اصلی و کلان وجود دارد که عبارت‌اند از: ایجاد نظم قضایی؛ ثبات نسبی قوانین؛ بهره‌گیری از وکلای متخصص؛ مدیریت رسانه‌ای؛ فراهم‌سازی موجبات آسایش ارباب رجوع. همچنین برای پایداری امنیت قضایی جلوگیری از تهدیدات این حوزه ضروری است. تهدیدات پیش‌روی امنیت قضایی عبارت است از مستندسازی دروغین، ناتوانی در اثبات حق، تبانی با مقام قضایی، عدم دسترسی به طرف دعوا که در بستر ارتباط شهروند با شهروند ظاهر می‌شود. به علاوه در ارتباط شهروند با دولت سه مسئله امنیت قضایی را تهدید می‌کند: عدم امکان دادخواهی، ترجیح روش‌های غیررسمی به دادخواهی و خدمات فاسد قضایی. در نهایت در ارتباط کارگزار دولتی با دولت نیز امنیت قضایی تهدید می‌شود که مهم‌ترین عامل آن نفوذ شعارهای سیاسی همچون مبارزه با فساد به فرایند رسیدگی قضایی است. در پایان باید خاطر نشان کرد تأمین امنیت قضایی امری زمان‌بر است و برنامه‌ریزی چندساله و مداوم را می‌طلبد. به علاوه احساس آن از جانب مخاطب نهادهای قضایی در گرو استمرار آن است.

منابع

- برومند، شهزاد (۱۳۸۷)، *امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب*، تهران: مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی.
- بصیری، محمد (۱۳۷۹)، *تحولات مفهوم امنیت ملی*، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، (۲۱)، (۶۹ تا ۸۴).
- بوزان، باری (۱۳۹۹)، *مردم دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ذاکر صالحی، غلامرضا و مهدی رحمتی فر (۱۳۹۱)، *ارتقای سلامت دستگاه قضا: مورد کاوی مبارزه با پدیده واسطه‌گری*، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال اول (۱)، (۳۳ تا ۶۰).
- رفیعی، محمدرضا (۱۳۹۸)، *ایجاد وحدت رویه قضایی؛ بررسی مسائل بنیادین، فصلنامه قضاوت*، دوره ۱۹ (۹۸)، (۱۰۱ تا ۱۲۴).
- روحانی، حسن (۱۳۹۰)، *مجموعه مقالات امنیت قضایی؛ نقش امنیت قضایی در امنیت اجتماعی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۱۶.
- سند تحول قضایی مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۳۰.
- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۹۸)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عبداللهی، سیدمحمد (۱۴۰۰)، *موانع اساسی برقراری امنیت قضایی و عوامل آسیب‌زننده به آن*، تحقیقات حقوقی، دوره دوم (۴)، (۶۰۷ تا ۶۱۸).
- علینقی، امیرحسین (۱۳۷۹)، *امنیت قضایی، فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سوم (۴)، (۴۹ تا ۶۶).
- قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) مصوب ۱۳۹۵.
- کشکولی، محمدرضا (۱۳۹۸)، *امنیت قضایی شهروندان با تأکید بر نقش اصول بی‌طرفی و استقلال مرجع قضایی*، تهران: مهرکلام.
- محسنی، حسن (۱۳۹۱)، *مفهوم مرجع قضایی در نظام قضایی کشور، مجله دادگستری*، دوره ۷۶ (۷۹)، (۹۹ تا ۱۲۴).
- محقق داماد، (۱۳۹۰)، *مجموعه مقالات امنیت قضایی؛ عناصر اصلی امنیت قضایی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- مک‌کین‌لای، آردی و آر. لیتل (۱۳۸۰)، *امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها*، ترجمه اصغر افتخاری، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نوروزی، کامبیز (۱۳۷۹)، *امنیت قضایی در جمهوری اسلامی ایران*، پژوهشکده مطالعات راهبردی، گفتگوی علمی.
- ویلیامز، پل دی (۱۳۹۰)، *درآمدی بر بررسی‌های امنیتی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کالینز، الن (۱۴۰۰)، *مطالعات امنیتی معاصر*، ترجمه علیرضا ثمودی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کیخای فرزانه، محمدمامین، مجید نجارزاده‌هنجی، احسان آهنگری و بهزاد پورسید (۱۳۹۹)، *امنیت قضایی*، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات پژوهشگاه قوه قضاییه ۲۴۷.

References

- *R v Sussex Justices; Ex parte McCarthy* [1924]
- Waever, O. (1993), *Societal security: the concept, Identity, migration and the new security agenda in Europe*, 17-40, As cited in: Moller, Bjorn, The Concept of Security The Pros Of expansion and Contraction, <http://www.ciaonet.org/wps/mobol/index.html>
- Wolfers, Arnold. (1962). *Discord and Collaboration: essays on international politics* (1). London: The Johns Hopkins Press